



لوکیشن؛ بازیگر نقش اول آثار نمایشی

لوکیشن در کارهای تلویزیونی از جمله مولفه‌هایی است که هر چه جدی‌تر گرفته شود و فکر و طراحی شده باشد، می‌تواند در جذب مخاطب و افزایش بیننده تاثیر داشته باشد. تاثیری به اندازه بازیگران یک سریال و حتی بیشتر از آن!

جام جم آنلاین: لوکیشن در کارهای تلویزیونی از جمله مولفه‌هایی است که هر چه جدی‌تر گرفته شود و فکر و طراحی شده باشد، می‌تواند در جذب مخاطب و افزایش بیننده تاثیر داشته باشد. تاثیری به اندازه بازیگران یک سریال و حتی بیشتر از آن!

به عبارتی دیگر، آنچه در بستر یک قصه جذاب کنار کارگردانی و بازیگری در برقراری ارتباط میان مخاطب و اثر، نقشی مهم ایفا می‌کند، جدای از فضا سازی مبتنی بر تصویر و موسیقی، انتخاب هوشمندانه لوکیشن یا مکان وقوع رویدادهای قصه است.

هر چه این مکان، ملموس‌تر باشد مخاطب با آنچه در اتمسفر سریال یا کار تلویزیونی می‌گذرد بیشتر همراه خواهد شد.

نمونه‌های زیادی در کارهای تلویزیونی - بویژه کارهای تاریخی - داشته‌ایم که انتخاب درست لوکیشن‌های خارجی و داخلی آنقدر جذاب بوده که حتی با یک رجوع و مرور 30 ساله، هنوز جذابیت و طراوت خود را از دست نداده است.

لوکیشن در سریال‌های پر بیننده‌ای چون «سربداران» (محمدعلی نجفی)، «ابن سینا» (کیهان رهگذار) و البته «171؛ هزارستان» (علی حاتمی) این‌گونه اهمیت یافته و یادآوری آنها با نشانه‌گذاری لوکیشن‌های معروف‌شان خاطره‌انگیز است.

شهرک غزالی گرچه به عنوان شهرک سینمایی از آن یاد می‌شود، اما برای تولید سریال هزارستان ایجاد شد و اوایل دهه 60، بخشی از آن برای سریال سربداران دکورسازی شد و بعدها، دکور سریال‌ها و کارهای تلویزیونی متعددی در این مکان شکل گرفت که سازندگان برخی از این کارها، دکورهای قبلی را نیز از میان بردند.

شهرک سینمایی دفاع مقدس نیز بویژه طی دهه اخیر در کارهای مختلف تلویزیونی (اعم از تاریخی یا جنگی) مورد استفاده فیلمسازان قرار گرفته است.

در سریال‌های مشهور تلویزیون، ترفندهایی برای یکدستی فضای خارجی و بناها با فضای داخلی وجود داشته است.

در سریال «171؛ سلطان و شبان» (داریوش فرهنگ) فضاهای خارجی کاخ سلطان در یک لوکیشن و فضاهای داخلی در لوکیشنی دیگر (استودیو گلستان) کار شد، اما به قدری در جزئیات دقت شده بود که کمتر کسی متوجه این ماجرا شد.

سریال «171؛ گرگ‌ها» (داوود میرباقری) نیز چنین شرایطی داشت و دکورهای نماهای خارجی کار در شهرک غزالی اجرا شد.

استودیو گلستان در حقیقت میزبان لوکیشن‌های سریال‌های مختلفی با مضامین متفاوت بوده است. بخش‌هایی از کارهای تاریخی (مثل سلطان و شبان، سربداران و ولایت عشق) و کارهای اجتماعی و شهری (مثل آرایشگاه زیبا، بدون شرح، بانکی‌ها، قطار ابدی، شهر قشنگ و...) همه در این استودیو ضبط شده‌اند.

تلفیق دکور و فضاهای واقعی در کارهای تلویزیونی به مضمون تاریخی، وقتی با خلاقیت در ایجاد یکدستی همراه باشد، نتیجه خوبی داده که کارهای «171؛ کارآگاه» (حسن هدایت) یا «171؛ کوچک جنگلی» (بهرز افخمی) و «171؛ در چشم باد» (مسعود جعفری‌جو زانی) از این نظر مثال‌زدنی هستند و البته در این ژانر، برخی سازندگان سریال‌ها (مثل سعید نیکپور در «171؛ شاه‌شکار» و «171؛ امیرکبیر») اصولاً کار در فضاهای واقعی را به دکور ترجیح داده‌اند و برخی مدیران هنری نیز دکورهایی منحصر به سریال خود ساخته‌اند (مثل دکور شهر سمرقند در «171؛ نردبام آسمان» یا دکورهای متعدد «171؛ مختارنامه»).

سازندگان بسیاری از سریال‌ها حتی سریال‌های داستانی، لوکیشن داخلی خود را در پلاتوها قرارداده‌اند؛ پلاتوهایی که از نظر نورپردازی و استقرار دوربین، بهترین شرایط را برای ارائه یک کار تلویزیونی ایجاد می‌کردند، اما روح لازم را برای انتقال حس بصری واقعگرا به مخاطب منتقل نمی‌کردند.

حسن کارهای استودیویی شاید وجود امکانات مناسب و ویژه برای نورپردازی و ضبط تلویزیونی باشد که در سرعت تولید يك مجموعه تلویزیونی می‌تواند اثربخش باشد، اما اتمسفر غالب کار در فضاهای طبیعی (منهای تله‌تئاترها) قطعاً برای تماشاگر باورپذیرتر است.

در ضمن شیوه کار در لوکیشن‌های پلاتویی طی سده‌های گذشته در برخی کارهای فانتزی‌تر - به‌عنوان نمونه « محله بروییا» یا جنگ‌های تلویزیونی و کارهای طنز - بخوبی جواب داده است.

در این میان برخی کارگردان‌های مجموعه‌های تلویزیونی آگاهانه با لوکیشن‌یابی واقعگرا، وسواس درستی در ایجاد ارتباط حسی با مخاطب داشته‌اند که سیروس مقدم بویژه در مجموعه « زیر هشت» نمونه موفق‌ی در این زمینه ارائه کرد.

در سریال‌های به اصطلاح آپارتمانی سیما نیز که معمولاً به‌واسطه بودجه، گاه توجهی به انتخاب مکان تصویربرداری متناسب صورت نمی‌گیرد، استثنائاتی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از فضاهای بظاهر تکراری، استفاده‌های درستی کرد.

مهدی فخیم‌زاده در « ساختمان 85» - که در آن بازسازی دکور صورت گرفته بود - و دیگر کارهای تلویزیونی‌اش، نشان داده کارگردانی است که چنین دغدغه‌ای دارد. آنچه مسلم است با توجه به گستره جغرافیایی شهر و شهرستان، تنوع در انتخاب لوکیشن می‌تواند حداقل از نظر بصری، تماشاگر را از فضاهای آشنا دور کند.

تله‌فیلم‌ها و مجموعه‌های داستانی که لوکیشن‌های خود را در شهرستان‌ها در نظر گرفته‌اند یا کارهایی که در مراکز استانی تولید می‌شوند، از يك پتانسیل بالا اما نهفته در این عرصه نشان دارد.

از سویی، طی چند سال اخیر از راه‌اندازی شهرک سینمایی در هشتگرد و ورامین برای تولید در زمینه سینما و تلویزیون حرف‌ها زده شده، اما خبری از اجرای این ایده‌ها نشده است.

در زمینه دکورسازی، تلویزیون جز در چند مورد چندان پرکار نبوده و شاید اگر زنده‌یاد علی حاتمی اواخر دهه 50 به فکر ایجاد شهرک برای تولید سریال خود نمی‌افتاد، مشخص نبود کارهای تلویزیونی بدون این لوکیشن چگونه تولید می‌شدند!

استفاده از فضا سازی دیجیتال نیز همان‌طور که در سینمای ایران منجر به تولید فیلمی چون « ملک سلیمان» شد، می‌تواند در تلویزیون بیش از این مورد استفاده قرار گیرد و ترفندهای بصری را از آنچه در نیم قرن پیش مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته و هنوز هم در تلویزیون و سینمای ما نمونه و نمود دارد، جدا کند و به واقعیت امروز تکنیکال در زمینه طراحی هنری نزدیک‌تر کند تا به این واسطه در بسیاری از موارد بتوان فضا سازی کامپیوتری را جایگزین ساخت هزینه‌بر دکور کرد.

در نهایت می‌توان به این نکته اشاره کرد که انتخاب لوکیشن در سریال‌های تلویزیونی می‌تواند چشم‌اندازی مطلوب‌تر نسبت به امروز داشته باشد به شرط آن که صداوسیما به مقوله لوکیشن نگاه مهربان‌تری داشته باشد. (جام جم - ضمیمه قاب کوچک)

علی افشار